

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۱۵ مارچ ۲۰۱۲

علمای دین و یا پیام آوران اسارت و دهشت

در این روز ها به مضامین و گفت و گو هائی در رسانه های خبری بر می خوریم که شکایت و حکایت از صدور اعلامیه "شورای سراسری علمای افغانستان" مبنی به جدائی دختران و زنان از مردان در محیط کار و تحصیل، اجتناب از صحبت با مردان نامحرم، و حکم به زندانی شدن تمام زنان در چار دیواری خانه و ... می نماید. همچنان آنها فیصله نمودند که زنان نباید بدون محرم شرعی سفر کنند و ... و کرزی این دلچک رسوای استعمار و ارتجاع هم بر آن مهر تأیید زده است.

متأسفانه هر قدر افکار خود را در زمینه به کار انداختم، نتوانستم دلیل این همه ناراحتی ها، قهر و غضب، ترس و وحشت از این ناحیه را درک کنم.

زیرا نویسندگان و دوراندیشان چه توقعی را از علمای دین و روحانیونی که پایبند به قوانین دین اسلام، غنوده در آغوش استعمار و همکاری با اداره مستعمراتی و دار و دسته ارتجاعی، خاین و خود فروخته آن اند، می توانند داشته باشند؟

آیا "شورای سراسری علماء" تا به حال کدام حکمی را صادر نموده اند که خلاف دین اسلام باشد؟ علمای دین فقط مسؤولیت ایمانی را که در قبال دین اسلام دارند، می خواهند عملی نمایند. این که چرا در این مدت ده سال به صدور چنین احکامی دست نزده اند، دلیل آن واضح است چون امیال مادی و معنوی خود را در خطر نمی دیدند و حالا که پلان به قدرت رساندن و حاکمیت طالبان این برادران دینی و اخروی آنها در نظر است، شروع به صدور آن احکام دین اسلام نموده اند که از یک جانب احتمال عذاب و غضبی را که امکان دارد از جانب طالبان متوجه آنها گردد، از خود دور ساخته بتوانند خویش را نجات دهند، و آنها هم به دلیل این که اعمالی را که طی ده سال خلاف سیاست و خواسته های اسلامی طالبان متحجر که همان تطبیق احکام دین اسلام است، صورت گرفته، مثلاً باز شدن در مکاتب و فاکولته ها به روی دختران و زنان و آنها هم در دو سه شهر افغانستان، دادن مقام و منزلت نمایشی به زنان در چوکی های اداره مستعمراتی در کنار مردان و پارلمان این اداره، اشتراک زنان در انتخابات کدائی و دیگر این که روی

منافع فردی و منافع مشترک جمعی در تقابل به همدیگر قرار نگیرند، دست به دست همدیگر بدهند و در غارت داشته های مادی و معنوی و تطبیق همه فجایع به خصوص آنچه را که در این ده سال در شکنجه گاه های امپریالیسم بالای زنان عملی نشده است یعنی سنگسار و زنده به گور نمودن زنان، مشترکاً به آن عمل نمایند.

مگر در تمام مدت زیاد تر از ده سال تجاوز همین روحانیون و علمای دین نبودند که مهر تأیید به همه جنایاتی را که در کشور ما صورت گرفته زده باشند؟ در تمام خیانتها و جنایات، این قشر مرتجع و خود فروخته جامعه تا جایی که تاریخ کشور ما به یاد می دهد، دوش به دوش دولت های دست نشانده استعمار در فروش وطن و نابودی مبارزان آزادیخواه با جاسوسی و همکاری های نا انسانی و ضد بشری با استعمارگران مگر دخیل نبودند که امروز نباشند؟ در این مدت زیادتر از ده سال تجاوز فکر می کنید که خفه شده بودند و یا اینکه نعمات چرب و نرم خوان امپریالیسم و شراب های ناب، آنها را مست و بی خبر از وحشت و دهشت افگنی استعمارگران نموده بود که امروز از خواب عمیق در بهشتی که استعمار برای آنها اعمار و همه را در آن جاگزین نموده بود، بیدار شده و چنین نغمه سرائی می کنند؟

این طور نیست. وظیفه علماء و روحانیون دین در شرایط اشغال همیشه این است تا به تصاویب توطئه ها و پلان های جدیدی که استعمار طرح می کند گردن نهاده و از صلاحیتی را که دین اسلام به آنها قایل شده، در موقع معین و در جایش استفاده نمایند تا احکام دین اسلام را مطابق به خواسته های متجاوزان، صادر کنند و مشترکاً به رفع نیازمندی های همدیگر بپردازند.

اینها طی ده سال در انجام وظیفه دنیائی و اخروی خود را که همان پیروی از احکام امپریالیست ها و خود را در خدمت آنها قرار دادن است، یک لحظه هم کوتاهی ننمودند. روحانیون و علمای دین در افغانستان، دیروز و هم امروز حامی امیال مادی و معنوی خود و متجاوزان بوده و هستند. گذشته از آن از روحیه اکثریت مردم افغانستان که با ذهن و افکار عقب مانده، پابند به عقاید دینی هستند، سوء استفاده نموده مردم را وادار می سازند تا به خاطر حفظ منافع خود و باداران شان تن به هر فیصله ای داده امیال آنها را برآورده سازند.

همین روحانیون و علمای دین بوده و هستند که از عقاید و باور های خالصانه خلق نا آگاه و پابند به عقاید دینی و مذهبی با دنانت و پستی بهره جسته، برای تحقق اهداف مغرضانه خود در طول تاریخ روزی تاج غارت برسر این جنایتکار گذاشته اند و روزی دیگر کمر بند غارتگر دیگری را بسته اند. همیشه در صدد بوده اند تا خلق ها را از طریق اعتقاد و باور های آنها به دین، تحت تأثیر خواسته ها و امیال خود بیاورند تا جهت حصول منفعت خود و تحقق پلانهای بعدی استعمار از یک جانب و از جانب دیگر آماده ساختن شرایط همکاری طالبان با کرزی و ارتجاع که خود در رأس آن قرار دارند را در آینده نزدیک مهیا سازند. لذا تأیید نمودن صدور احکام دینی از جانب کرزی امری است واضح و آشکار.

در غیر آن باید پرسید:

وقتی دین همان است که فعلاً اجاره داران آن می خواهند آن را معرفی دارند، طی این ده سال که به علاوه جاری شدن جوی های خون در افغانستان، از کشور ما در فساد، ارتشاء، فحشاء، قچاق و استفاده مواد مخدر نمونه و سرآمد قرن ساخته شده است، این دین فروشان میهن فروش کجا بودند، تا به استناد احکام اسلامی شان علیه آن فتوا صادر نمایند؟